

نقش ظرفیت نهادی و بلوغ فرهنگی در دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی از دید اعضای هیئت علمی

رومینا امیری^۱، امیر علم بیگی^۲، امیررضا رضایی^۳، سید محمود حسینی^۴، مرضیه کشاورز^۵

۱- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی پایدار و محیط زیست، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

۲، ۳- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

۴- استاد، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

چکیده

با وجود تأکید روزافزون بر مأموریت دانشگاه‌ها در مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌ویژه در حوزه حیاتی آموزش عالی کشاورزی برای توسعه پایدار، همواره این سؤال مطرح است که چرا دستاوردهای عملیاتی در این زمینه اغلب از انتظارات جامعه و ظرفیت‌های نهادی اعلام‌شده کمتر است. از این رو، شناسایی و معرفی دقیق پیش‌ران‌هایی نیاز است که بتوانند ظرفیت نهادی و به تعبیری ساختاری را به نیروی محرک فعال تبدیل کنند؛ به عبارت دقیق‌تر، لازم است نقش واسطه‌ای بلوغ فرهنگی در آسانگری استفاده از زیرساخت‌های موجود برای تحقق نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی، به شکل تأثیرگذار مدل‌بندی شود. این پژوهش با دیدمان آمیخته از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، علی-ارتباطی است که به شکل میدانی انجام شد. جامعه آماری متشکل از ۸۵۶ تن عضو هیات علمی کشاورزی موسسه‌های آموزش عالی کشاورزی کشور بود که به کمک فرمول دانیل ۱۲۴ تن انتخاب و به شکل تصادفی در دسترس نمونه‌گیری انجام شد. روش غالب آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. در گام نخست نتیجه تحلیل عاملی تاییدی در محاسبات روایی تشخیصی و پایایی به کمک ضرایب Rho_c و Rho_a که همگی بالای ۰/۸ به دست آمد مبین مناسب ساختار اندازه‌گیری بود. در گام بررسی ضرایب ساختاری از روش بوت‌استرپینگ برای بررسی معنی‌داری ضرایب استفاده شد. نتایج مدل‌سازی نشان داد که ظرفیت نهادی دانشگاه‌های کشاورزی که به کمک پرسشنامه محقق ساخت اندازه‌گیری شده است، تأثیر مستقیم و معناداری بر بلوغ فرهنگی در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی دارد. همچنین، ظرفیت نهادی به معنای آمادگی از بهره‌برداری از ظرفیت‌های آموزش عالی کشاورزی برای ترویج نتایج در بستر جامعه مستقیم در کسب نتایج مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی ایران نقش معناداری ایفا می‌کند و از سوی دیگر، بلوغ فرهنگی نیز به عنوان یک عامل کلیدی، تأثیر مثبت و معناداری بر دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دستیابی به اثربخشی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دانشگاه‌های کشاورزی نیازمند رویکردی دوجوهری مشتمل بر ایجاد و تقویت ظرفیت نهادی به عنوان زیربنا و سرمایه‌گذاری راهبردی بر بلوغ فرهنگی به عنوان موتور محرک است.

نمایه واژگان: مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی، نظریه نهادگرایی، حکمرانی دانشگاهی و آموزش عالی کشاورزی.

نویسنده مسئول: امیر علم بیگی

رایانامه: Alambaigi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

مقدمه

در عصر حاضر، مدیریت آموزش عالی دیگر محدود به فرآیندهای سنتی تدریس و تحقیق نیست، بلکه نقش محوری دانشگاه‌ها را به عنوان موتور محرک مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توسعه پایدار به رسمیت می‌شناسد. آموزش عالی به عنوان یک نهاد اجتماعی، از طریق تولید دانش، جهت‌دهی به نگرش‌ها و ایفای نقش هدایت‌گر در جامعه، سهم مهمی در توسعه انسانی و اجتماعی ایفا می‌کند (فرمانده و همکاران، ۱۳۹۹). با تغییر پارادایم توسعه و اهمیت توسعه پایدار، نقش دانشگاه نیز دچار تحول شده است و بر همین مبنا محورهای اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست به مرور اهمیت ویژه یافته‌اند. دانشگاه‌ها علاوه بر نقش‌های پژوهشی و آموزشی و خدمات تخصصی، رسالت مسئولیت اجتماعی نیز برعهده دارند (برادران حقیر و همکاران، ۱۳۹۸). دانشگاه‌ها نهادهایی اجتماعی هستند که در برابر ساختار اجتماعی پیرامون خود مسئول‌اند و ارزش‌ها و مأموریت‌های آموزشی آن‌ها باید به شکل فعال و مسئولانه‌ای بر جامعه اثرگذار باشد و یک مکان باز برای یادگیری مادام‌العمر فراهم کند (صالحی و منوری فرد، ۱۴۰۱). این تحول دیدمان به ویژه در آموزش عالی کشاورزی، اهمیتی فزاینده می‌یابد؛ چرا که آموزش عالی کشاورزی به طور مستقیم با چالش‌های حیاتی جامعه مانند امنیت غذایی، مدیریت منابع آب و خاک، و تاب‌آوری زیست‌محیطی در ارتباط بوده و هرگونه ناکارآمدی در مدیریت راهبردی این نهادهای آموزشی می‌تواند اثرهای گسترده‌ای بر منافع ملی داشته باشد (اورنگ‌دلاکروز، ۲۰۲۰). از دید حکمرانی دانشگاهی و برنامه‌ریزی راهبردی، با وجود پافشاری‌های پی‌درپی بر این مأموریت حیاتی، همواره این نگرانی مدیریتی مطرح بوده است که چرا دستاوردهای عملیاتی در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این آموزش‌ها، از انتظارات جامعه و ظرفیت‌های نهادی اعلام‌شده کمتر است (چیلز و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، مدیریت مؤثر این نهادها نیازمند شناسایی دقیق پیش‌ران‌هایی است که بتوانند آمادگی‌ها و زیرساخت‌های موجود (ظرفیت نهادی) را به یافته‌ها و دستاوردهای ملموس در بستر جامعه تبدیل

کنند. جهانی شدن و تغییرهای محیطی منجر به اصلاحاتی در سیاست‌های آموزشی و مدل‌های حکمرانی شده است که بر لزوم اهداف توسعه پایدار و مدیریت راهبردی در دانشگاه‌ها تأکید دارد (گالاردو-وازکز و همکاران، ۲۰۲۴). مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه مفهومی است که بر مسئولیت‌های گسترده‌تر مؤسسات آموزش عالی در قبال جامعه، فراتر از نقش‌های سنتی آن‌ها در آموزش و پژوهش، تأکید دارد و شامل ادغام ملاحظات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی در کارکردهای اصلی دانشگاه‌ها است و از این طریق به توسعه پایدار و رفاه اجتماعی کمک می‌کند (تیلک، ۲۰۲۲). باترا و همکاران، ۲۰۲۵). مسئولیت اجتماعی دانشگاه، نه تنها باید درباره شیوه عملکرد، فعالیت و خروجی کوتاه‌مدت دانشگاه باشد، بلکه به اثرگذاری بلندمدت آن بر جامعه نیز مربوط می‌شود (حاجی عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). علیرغم وجود تعاریف متعدد از مفهوم مسئولیت اجتماعی دانشگاهی، آنچه به صورت عام پذیرفته شده است دلالت بر ساختار و تعهدی دارد که نظام آموزش عالی در ارایه راه حل‌های نوآورانه با استفاده از ظرفیت علمی خود پیشگام و در صدد تحقق شاخص‌های توسعه پایدار دارد (لیو و همکاران، ۲۰۲۵). در واقع مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در بستر آموزش عالی کشاورزی، یک رویکرد جامع است که سویگان سازمانی، آموزشی، پژوهشی و اجتماعی را برای ارتقای پایداری، رفتار اخلاقی و مشارکت اجتماعی ادغام می‌کند. با پرداختن به این ابعاد و مؤلفه‌ها، دانشگاه‌ها می‌توانند به طور قابل توجهی به توسعه اجتماعی و رضایت دانشجویان کمک کنند (السرحدان، ۲۰۲۵). در زمینه آموزش عالی کشاورزی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه به دلیل تأثیر مستقیم این بخش بر امنیت غذایی، پایداری محیط‌زیست و توسعه روستایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دانشگاه‌های کشاورزی به طور منحصر به فردی در موقعیت قرار دارند تا از طریق آموزش، تحقیق و مشارکت اجتماعی، به چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، ناامنی غذایی و شیوه‌های کشاورزی پایدار بپردازند (فاستر و همکاران، ۲۰۲۵). ابتکارات مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش کشاورزی می‌تواند با گنجاندن چالش‌های دنیای واقعی و

اصول پایداری در برنامه درسی، کیفیت و ارتباط برنامه‌های دانشگاهی را بهبود بخشد. این رویکرد به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله لازم برای پرداختن به مسائل پیچیده کشاورزی را توسعه دهند (لایتینن و همکاران، ۲۰۲۲). ادغام مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی برای تقویت توسعه پایدار، مشارکت جامعه و نوآوری ضروری است. دانشگاه‌های کشاورزی با پرداختن به ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی می‌توانند نقشی تحول‌آفرین در جامعه ایفا کنند و به رفاه جوامع و محیط‌زیست کمک کنند (مسگور-سانچز و همکاران، ۲۰۲۰. تاناکا و همکاران، ۲۰۲۳). به طور کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه یک استراتژی مدیریت دانشگاه است که توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمان‌های ملی برای گنجاندن در بیانیه مأموریت هر دانشگاه پیشنهاد شده است (آریاس‌وال و همکاران، ۲۰۲۱). دانشگاه‌هایی که توانمندسازی جامعه، مشارکت ذینفعان و آموزش محیط‌زیست را در اولویت قرار می‌دهند، معمولاً سطوح بالاتری از مسئولیت‌پذیری اجتماعی-محیط‌زیستی دارند. این مشارکت برای پرداختن به چالش‌های محلی و جهانی ضروری است (کلاهی و عظیمی سگین سارا، ۲۰۲۳). مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه باید با کارکردهای اصلی دانشگاه یعنی آموزش، پژوهش و خدمات ادغام شود. این ادغام تضمین می‌کند که مسئولیت اجتماعی یک امر اضافی نیست، بلکه بخش اساسی از مأموریت و عملیات دانشگاه است و به نیازها و انتظارات ذینفعان پاسخ می‌دهد، رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهد و عملکرد پایدار را تضمین می‌کند (الکسار و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این تعاملات دانشگاه‌ها با دولت‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی، جوامع و صنایع از طریق یادگیری خدماتی، پروژه‌های جامعه‌محور و انتقال فناوری، اساسی است. این تعاملات هم به نفع دانشجویان و هم به نفع جامعه‌ی وسیع‌تر است و منعکس‌کننده‌ی تأثیر اجتماعی دانشگاه‌ها می‌باشد (اونتیوروس-اورتیز و رامیرز-مونتویا، ۲۰۲۰). اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در برنامه‌های

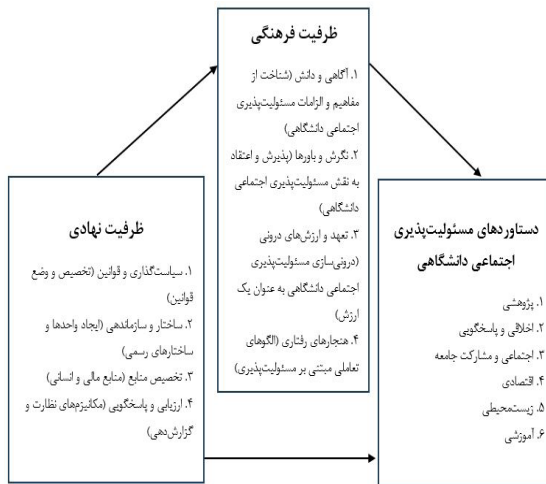
استراتژیک آن، موضوعی است که مورد توجه اجتماعی زیادی قرار گرفته است. با این حال، عدم درک صحیح، منجر به مشارکت ناکافی ذینفعان شده و مانع از اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه و مزایای بالقوه آن می‌شود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در یک بستر رسمی و به عنوان بخشی از استراتژی، باید مسیری باشد که به تحقق آن منجر شود. مدل‌های مؤثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه نیازمند تعامل فعال با ذینفعان مختلف، از جمله دانشجویان، اساتید، فارغ‌التحصیلان و جامعه وسیع‌تر است. این تعامل به درک و برآورده کردن انتظارات و نیازهای این گروه‌ها کمک می‌کند و در نتیجه تأثیر اجتماعی دانشگاه را افزایش می‌دهد (راموس-مونث و همکاران، ۲۰۱۹). دانشگاه‌ها باید با هدف بهبود منافع عمومی و پرداختن به مسائل جهانی، اطمینان حاصل کنند که مأموریت آنها شامل تأثیر مثبت اجتماعی است. این امر مستلزم ادغام مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تمام جنبه‌های عملیات دانشگاه، از مدیریت گرفته تا فعالیت‌های روزانه است (میوتو و همکاران، ۲۰۲۰). استراتژی‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه باید با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد همسو باشند تا به چالش‌های جهانی بپردازند و پایداری را ارتقا دهند. این همسویی تضمین می‌کند که ابتکارات مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه به اهداف گسترده‌تر اجتماعی و زیست‌محیطی کمک می‌کند (احمد و همکاران، ۲۰۲۴). مدل استراتژیک مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه یک رویکرد پویا و چندوجهی است که مستلزم تعهد همه ذینفعان دانشگاه است. دانشگاه‌ها با گنجاندن مسئولیت‌پذیری اجتماعی در وظایف اصلی خود، می‌توانند به طور قابل توجهی به رفاه اجتماعی و توسعه پایدار کمک کنند، در عین حال عملکرد و اعتبار نهادی خود را نیز افزایش دهند (آریاس‌وال و همکاران، ۲۰۲۱؛ الکسار و همکاران، ۲۰۲۳). به طور کلی اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه تحت تأثیر عوامل نهادی و سازمانی، از جمله سیاست‌های ملی، بودجه عمومی، استراتژی سازمانی و نقش اعضای هیئت علمی است که در مجموع زمینه و ظرفیت دستیابی به نتایج مؤثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی را شکل می‌دهند

نگرش‌ها، رفتارها و سطوح مشارکت در جامعه دانشگاهی، تسهیل فرآیندهای سیستمی که توسعه پایدار را ترویج می‌دهند و مشارکت فعال در پرداختن به چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را تشویق می‌کنند، به طور قابل توجهی بر دستاوردهای مسئولیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. الکسار و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که گنجاندن مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در استراتژی دانشگاه، آموزش و پژوهش را بهبود می‌بخشد، انتظارات ذینفعان را برآورده می‌کند، رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهد و عملکرد پایدار را تضمین می‌کند و فرهنگ مسئولیت اجتماعی را پرورش می‌دهد که به نفع رضایت دانشجویان، وفاداری فارغ‌التحصیلان و تصویر کلی نهاد در زمینه‌های فرهنگی متنوع است. مترس و لوتیک (۲۰۲۳) تأکید می‌کنند که گنجاندن مسئولیت اجتماعی شرکتی در استراتژی اصلی یک دانشگاه، تأثیر اجتماعی آن را افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که فرهنگ‌سازی مسئولیت اجتماعی شرکتی منجر به ادغام مؤثرتر می‌شود و در نهایت دستاوردهای دانشگاه را در پرداختن به چالش‌های اجتماعی از طریق آموزش و پژوهش بهبود می‌بخشد. ایلچوک (۲۰۲۲) تأکید می‌کند که زمینه و ظرفیت موجود دانشگاه‌ها به طور قابل توجهی بر دستاوردهای مسئولیت اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارد، زیرا این عوامل خدمات آموزشی، مشارکت ذینفعان و ادغام ارزش‌های شناخته شده اجتماعی را شکل می‌دهند و در نهایت بر کیفیت آموزش عالی تأثیر می‌گذارند. کرتز (۲۰۲۳) نشان داد فرهنگ‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه، با همسو کردن شیوه‌های آموزشی با نیازهای اجتماعی، تقویت مشارکت جامعه و ترویج رویکردی جامع به آموزش، تحقیق و توسعه، دستاوردها را افزایش می‌دهد و در نهایت ارتباط و تأثیر دانشگاه را در پرداختن به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تقویت می‌کند. فرهنگ‌سازی با تقویت انسجام و الهام‌بخشی در میان اساتید و دانشجویان، مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها را افزایش می‌دهد و منجر به تعهد قوی‌تر به مشارکت‌های اجتماعی می‌شود. این امر ارزش‌ها و رفتارها را شکل می‌دهد و دانشگاه‌ها را به سمت رسیدگی مؤثر به نیازهای جامعه و ترویج توسعه پایدار هدایت می‌کند (شیائووی،

گودونوگا و اسپورن، ۲۰۲۳). از این رو، بسیاری از تحقیق‌ها به بررسی بستر و ظرفیت‌های موجود و تاثیر آن بر فرهنگ‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی و دستیابی به دستاوردهای حاصل از مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته‌اند. گالاردو-وازکز و همکاران (۲۰۲۴) تأکید می‌کنند که زمینه و ظرفیت موجود مؤسسات آموزش عالی به طور قابل توجهی بر اجرا و اثربخشی شیوه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه تأثیر می‌گذارد و بر توانایی آنها در دستیابی به اهداف آموزشی مدیریت پایدار و مسئولانه تأثیر می‌گذارد. طبق مطالعات تران-بوستامانته و تورس-وارگاس (۲۰۲۰) ایجاد بستری برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه شامل ادغام مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در استراتژی‌های نهادی، تضمین همسویی با آموزش، پژوهش و مشارکت اجتماعی است و هم چنین ایجاد فرهنگ مسئولیت اجتماعی دانشگاه شامل ادغام مسئولیت اجتماعی در مأموریت‌های اصلی آموزش، پژوهش و مشارکت اجتماعی است. به باور ورگارا (۲۰۲۳)، ایجاد بستری برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه شامل ترویج فرهنگ ارزیابی و خودارزیابی، مشارکت دادن کل جامعه دانشگاهی و طراحی ساختارهای مدیریتی است که مشارکت فعال در ابتکارات توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را تسهیل می‌کند، هم چنین فرهنگ‌سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه، با تقویت تعهد اخلاقی و معنوی جمعی در جامعه دانشگاهی، ارتقای مشارکت فعال و تسهیل ساختارهایی که از توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی حمایت می‌کنند، دستاوردها را افزایش می‌دهد و در نهایت منجر به تأثیر اجتماعی عمیق‌تری می‌شود. ایجاد بستری برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه شامل ادغام سیاست‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در مأموریت‌های دانشگاه، تقویت مشارکت‌های اجتماعی، ترویج تفکر انتقادی و توسعه برنامه‌های آموزشی است که بر پایداری و آگاهی اجتماعی تأکید دارند و در نهایت به ایجاد جامعه‌ای مسئولیت‌پذیرتر کمک می‌کنند (گوزمن، ۲۰۲۳). دی جریو و همکاران (۲۰۲۰) تأکید کردند زمینه و ظرفیت موجود در دانشگاه‌ها با شکل‌دهی

۲۰۲۰). برای پایه، هدف کلی این پژوهش، بررسی نقش بسترهای موجود در دانشگاه‌ها در ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی با تاکید بر نقش متغیر میانجی فرهنگ‌سازی و تحلیل اثر آن بر دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. این پژوهش در پی آن است تا با مدل‌سازی نقش حیاتی ظرفیت نهادی و بلوغ فرهنگی، ابزارهای تحلیلی مناسبی را در اختیار مدیران و سیاست‌گذاران آموزش عالی کشاورزی قرار دهد تا اثربخشی برنامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را بیشینه کنند. بر پایه مرور ادبیات صورت گرفته، مدل نظری تحقیق طبق نگاره ۱ ارائه شده است. این مدل بر مبنای نظریه نهادگرایی استوار است و فرضیه اصلی آن بر لزوم توازن میان انطباق ساختاری و درونی‌سازی هنجاری برای تحقق دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی تأکید دارد. ظرفیت نهادی نشان‌دهنده ابعاد ساختاری، رسمی و ایزومورفیک سازمان است. اجزای این سازه مستقیماً از ادبیات حکمرانی دانشگاهی و تئوری نهادی (یکریختی اجباری) استخراج شده است. به عبارتی تا زمانی که قوانین و سیاست‌ها تدوین نشود و ساختارهای اداری برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی ایجاد نگردد (ایزومورفیسم ساختاری) و منابع لازم تخصیص نیابد، دانشگاه در مرحله انطباق رسمی باقی می‌ماند. بلوغ فرهنگی نشان‌دهنده ابعاد هنجاری، شناختی و درونی‌شده سازمان است. این سازه از ادبیات تغییر فرهنگ سازمانی و تئوری نهادی (ایزومورفیسم هنجاری و تقلیدی) اقتباس شده است. به بیان بهتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات نیست، بلکه یک فرهنگ و ارزش است. آگاهی، نگرش و تعهد درونی اعضای هیئت علمی و کارکنان، پله‌های کلیدی برای تبدیل انطباق ساختاری (ظرفیت نهادی) به عملکرد واقعی (دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی) هستند (رحمان و همکاران، ۲۰۱۹، روزکوسکا و اوچنا، ۲۰۱۷، برامر و همکاران، ۲۰۱۲، امانی، ۲۰۲۳، پروئس و همکاران، ۲۰۲۳). این دستاوردها دارای اجزای شش‌گانه (آموزشی، پژوهشی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اخلاقی) بر اساس مدل‌های جامع مسئولیت‌پذیری

(مانند مدل کارول و تطبیق آن در آموزش عالی) است.



نگاره ۱- چارچوب نظری تحقیق

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا که نتایج آن مستقیماً برای برنامه‌ریزی و ارتقای عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام آموزش عالی کشاورزی قابل استفاده است. تحقیق حاضر از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، از دیدمان تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) پیروی کرده است. این مطالعه علی-معلولی به دنبال تبیین روابط علی میان سازه‌های اصلی مدل (ظرفیت نهادی، بلوغ فرهنگی و دستاوردهای حاصل از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است) (جدول ۱).

جامعه آماری متشکل از تمام اعضای هیات علمی کشاورزی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور بود. تارنمای پرسشنامه الکترونیکی در اختیار تمام اعضای جامعه منتخب قرار گرفت و لذا روش نمونه‌گیری در زمره روش غیر احتمالی در دسترس قرار می‌گیرد. با عنایت به معین بودن جامعه آماری از فرمول دانیل به علت تقریب بالاتر استفاده شد که حجم نمونه برابر ۱۲۴ تن تخمین زده شد. بر این پایه به محض رسیدن پایگاه داده پرسشنامه الکترونیکی به این شمار، فرایند گردآوری داده متوقف شد. این حجم نمونه، با توجه به پیشنهادها و مربوط به کمینه نمونه مورد نیاز برای مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی که به قانون ۱۰ برابر یا روش G*Power تکیه دارد (کینگزلی، ۲۰۲۰)، این شمار نمونه کفایت لازم را برای آزمون مدل پیشنهادی را دارا است.

جدول ۱- تعریف عملیاتی متغیرها و شیوه سنجش آن‌ها

سازه (متغیر)	نقش	متغیر	مقیاس
ظرفیت نهادی	شامل شش گویه که میزان درک ضرورت مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی، نقش دانشگاه در حل مسائل بخش کشاورزی، لزوم توجه	مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای با لحاظ	پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس
مسئولیت‌پذیری	سازه مستقل	تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی	مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای با لحاظ
اجتماعی دانشگاهی	بر شهرت، جذب نخبگان و تلقی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی	به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مأموریت دانشگاه را می‌سنجند.	گزینه بی‌نظر
بلوغ فرهنگی	سازه واسطه	شامل شش گویه که بستر مناسب حکمرانی، استقلال دانشگاه‌ها، مشارکت	پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس
		دینفعان، سازوکارهای پاسخگویی و شفافیت، نظارت و ارزیابی عملکرد و	مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای با لحاظ
		نظام انگیزشی و پاداش‌دهی برای فعالیتهای مسئولانه را می‌سنجند.	گزینه بی‌نظر که هر بُعد توسط گویه‌ها

دستاوردهای حاصل	یک سازه مرتبه دوم متشکل از شش بُعد کلیدی شامل اقتصادی،	پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس
از مسئولیت‌پذیری	آموزشی، زیست‌محیطی، اخلاقی و پاسخگویی، اجتماعی و مشارکت	مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای با لحاظ
اجتماعی دانشگاهی	جامعه و پژوهشی.	گزینه بی‌نظر که هر بُعد توسط گویه‌ها
		اندازه‌گیری شده است.

قرار گرفتند. در نهایت فاز دوم مدل‌بندی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی برای آزمون فرضیات استفاده شد. این روش برای پژوهش‌های اکتشافی، توسعه مدل‌های جدید و زمانی که جامعه آماری نمونه‌های کوچک تا متوسط دارد، نسبت به روش‌های مبتنی بر کوواریانس ارجح است (هیر و همکاران، ۱۴۰۲). تمامی تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ انجام شد.

یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان داد حدود ۷۸ درصد از پاسخگویان را مردان و حدود ۲۲ درصد را زنان تشکیل دادند. ۸۷ درصد از پاسخگویان در دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت عتف استخدام بودند و ۱۳ درصد در موسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی شاغل بودند. حدود ۵۷ درصد از اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده دارای مرتبه علمی دانشیار بودند که جمعیت غالب را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین نتایج نشان داد میانگین سابقه کار پاسخگویان، در حوزه آموزش عالی کشاورزی، ۱۸ سال بود (جدول ۲).

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس مرور جامع ادبیات نظری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی و چارچوب‌های ظرفیت نهادی و فرهنگی تدوین گردید. با بررسی مقادیر ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی‌های موجود بین سازه‌ها (معیار فورنل-لارکر) و مقادیر صفت چند خصیصه‌ای-تک خصیصه‌ای، وضعیت روایی پرسشنامه تایید و حد تایید هر دو معیار تایید شد. به کمک محاسبه شاخص‌های Rho_c و Rho_a وضعیت پایایی آن سنجیده شد که تمام مقادیر به دست آمده بالای ۰/۸ به دست آمد (جدول ۳)، که در دامنه مورد قبول (هیر و همکاران، ۱۴۰۲)، قرار دارد. تمامی گویه‌ها در آغاز در مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵) سنجیده شدند و اما در مرحله ورود داده به نرم‌افزار و به جهت اصلاح ارزش مقادیر و جلوگیری از ایجاد واریانس ناهمگن، در طیف ۲ تا ۲- مرتب شدند. به این ترتیب مقدار ۳ در مرکز طیف و معادل صفر قرار گرفت و مقدار ۱ به ۲- و مقدار ۲ به ۱- تبدیل شد. مقدار ۵ برابر ۲ و مقدار ۴ برابر ۱ تعریف شد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، نخست در فاز تشخیصی از تحلیل عاملی تاییدی و بررسی ماتریس‌های همبستگی (فرهمن و همکاران، ۲۰۲۲)، استفاده شد و ساختارهای اندازه‌گیری‌کننده مورد تحلیل

جدول ۲: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شغلی پاسخگویان

ردیف	ویژگی	طبقات	فراوانی (N)	درصد (%)
مشخصات جمعیت‌شناختی و پایه‌ای	جنسیت	مرد	۹۷	۷۸/۲
		زن	۲۷	۲۱/۷
	وضعیت تأهل	متأهل	۱۱۵	۹۲/۷
		مجرد	۹	۷/۳
	رده سنی	زیر ۳۵ سال	۱۲	۹/۷
		۳۵ تا ۵۰ سال	۸۸	۷۱
		بالای ۵۰ سال	۲۴	۱۹/۳
مشخصات علمی و سازمانی	مرتبه علمی	مربی	۵	۴
		استادیار	۳۰	۲۴/۲
		دانشیار	۷۰	۵۶/۵
		استاد تمام	۱۹	۱۵/۳
	سابقه خدمت	کمتر از ۱۰ سال	۲۰	۱۶/۱
		۱۰ تا ۲۰ سال	۶۵	۵۲/۴
		بالای ۲۰ سال	۳۹	۳۱/۵
	گرایش تخصصی (عمومی)	زراعت و اصلاح نباتات	۳۱	۲۵
		ترویج و آموزش کشاورزی و اقتصاد کشاورزی	۲۸	۲۲/۶
		باغبانی و علوم خاک	۳۳	۲۶/۶
		مهندسی آب و مکانیک	۳۲	۲۵/۸
مشارکت و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی	سابقه مشارکت در طرح‌های ترویجی/کاربردی	بله (۳ مورد یا بیشتر)	۴۸	۳۸/۷
		بله (۱ یا ۲ مورد)	۵۵	۴۴/۴
		خیر	۲۱	۱۶/۹
		جمع	۱۲۴	۱۰۰,۰
	شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ۵ سال اخیر	بله	۲۷	۲۱/۸
		خیر	۹۷	۷۸/۲
نوع تعهد سازمانی		رسمی/قطعی	۱۱۰	۸۸/۷
		پیمانی/آزمایشی	۱۴	۱۱/۳

نشانگرهای انتخابی با سازه مربوطه بررسی شد. نتیجه بررسی نشان داد که نشانگرهای انتخابی که دارای آماره t بالاتر از مقدار ۱/۹۶ بودند از سطح قابل قبولی برای اندازه‌گیری سازه‌های مدل برخوردار هستند.

به منظور داده‌پردازی در دستگاه مدل‌بندی معادلات ساختاری لازم است در آغاز از تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی وضعیت ساختارهای عاملی مورد مطالعه استفاده شود. برای این منظور در قالب مدل اندازه‌گیری، سطح معنی‌داری

جدول ۳- نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشانگرهای اندازه‌گیری کننده سازه‌های مدل تحقیق

سازه‌ها	علامت در مدل	گویه‌ها	t	بارعاملی	خطای انحراف استاندارد	AVE	Rho_c	Rho_a	CA
بلوغ فرهنگی	USR1	ساختار حکمرانی فعلی نظام آموزش عالی کشاورزی ایران (قوانین، مقررات، سیاست‌ها، ساختار سازمانی و ...) بستر مناسبی برای ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی فراهم می‌کند.	۱۳/۵۶	۰/۷۹۲	۰/۰۵۸	۰/۵۸۳	۰/۸۸۹	۰/۸۸۷	۰/۸۴
	USR2	میزان استقلال دانشگاه‌های کشاورزی در ایران برای پیاده‌سازی برنامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی کافی است.	۲۳/۴۲	۰/۸۳۶	۰/۰۳۶				
	USR3	مشارکت ذینفعان مختلف (دانشجویان، اساتید، کارکنان، جامعه محلی، بخش کشاورزی و ...) در فرایندهای تصمیم‌گیری دانشگاه‌های کشاورزی به اندازه کافی وجود دارد.	۱۷/۰۶	۰/۷۶۵	۰/۰۴۵				
	USR4	سازوکارهای پاسخگویی و شفافیت در عملکرد دانشگاه‌های کشاورزی در قبال جامعه و محیط زیست مناسب و کافی است.	۳/۵۳	۰/۳۷۵	۰/۱۰۷				
	USR5	نظارت و ارزیابی عملکرد دانشگاه‌های کشاورزی در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور منظم و اثربخش انجام می‌شود.	۲۷/۸۹	۰/۸۵۴	۰/۰۳۱				
	USR6	نظام انگیزشی و پاداش دهی مناسبی برای تشویق دانشگاه‌های کشاورزی به فعالیت‌های مسئولانه اجتماعی و محیط‌زیستی وجود دارد.	۳۴/۳۵	۰/۸۴۳	۰/۰۲۴				
ظرفیت نهادی	USR13	مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی مفهومی ضروری و مرتبط با دانشگاه‌های کشاورزی در شرایط کنونی است.	۳۲/۴۹	۰/۸۵۷	۰/۰۲۶	۰/۶۵۷	۰/۹۲۰	۰/۹۰۵	۰/۸۹
	USR14	دانشگاه‌های کشاورزی نقش مهمی در حل مسائل و چالش‌های بخش کشاورزی و توسعه روستایی کشور دارند.	۲۲/۵۳	۰/۸۲۳	۰/۰۳۷				
	USR15	دانشگاه‌های کشاورزی علاوه بر آموزش و پژوهش، باید به نیازهای جامعه و محیط زیست نیز توجه کنند.	۱۴/۳۵	۰/۷۴۸	۰/۰۵۲				
	USR16	عملکرد مسئولانه دانشگاه‌های کشاورزی در قبال جامعه و محیط زیست، به اعتبار و شهرت آن‌ها می‌افزاید.	۳۴/۰۴	۰/۸۷۱	۰/۰۲۶				
	USR17	توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی، می‌تواند به جذب دانشجویان و اعضای هیئت علمی نخبه به دانشگاه‌های کشاورزی کمک کند.	۱۳/۴۳	۰/۷۵۸	۰/۰۵۷				
	USR18	مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی باید به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مأموریت و اهداف دانشگاه‌های کشاورزی تلقی شود.	۱۵/۸۶	۰/۷۹۳	۰/۰۵				

جدول ۴- نتایج تحلیل عاملی تاییدی نقش ابعاد در شکل گیری دستاوردهای مورد انتظار از مسئولیت پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی

شاخص های مدل در سطح دوم								
CA	Rho_a	Rho_c	AVE	Sig	t	خطای انحراف استاندارد	R2	بتا
								شرح تک گویه اندازه گیری کننده
				۰/۰۰۱	۱۶/۴۶	۰/۰۴۹	۰/۶۶۲	۰/۸۱۴
								مسئولیت های اقتصادی: ایجاد ارزش اقتصادی از طریق فعالیت های دانشگاه برای بخش کشاورزی و جامعه، کمک به توسعه کسب و کارهای دانش بنیان در حوزه کشاورزی، مشارکت در توسعه اقتصاد محلی و منطقه ای.
				۰/۰۰۱	۸/۰۲	۰/۰۸۱	۰/۴۲۶	۰/۶۵۲
								مسئولیت های آموزشی: ارائه آموزش های با کیفیت و مرتبط با نیازهای بخش کشاورزی و جامعه، توسعه مهارت های کارآفرینی و اشتغال پذیری دانشجویان، ترویج یادگیری مادام العمر.
				۰/۰۰۱	۱۲/۵۶	۰/۰۵۸	۰/۵۲۵	۰/۷۲۵
								مسئولیت های زیست محیطی: رعایت اصول پایداری زیست محیطی در فعالیت های دانشگاه (مصرف انرژی، مدیریت پسماند، حفاظت از منابع طبیعی)، آموزش و ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست در بین دانشجویان و جامعه، انجام پژوهش های مرتبط با مسائل زیست محیطی بخش کشاورزی.
۰/۸۷۰	۰/۸۸۶	۰/۹۰۸	۰/۶۲۵					
				۰/۰۰۱	۳۲/۶۶	۰/۰۲۶	۰/۷۰۵	۰/۸۳۹
								مسئولیت های اخلاقی و پاسخگویی: رعایت اصول اخلاق حرفه ای در تمام فعالیت های دانشگاه، شفافیت و پاسخگویی در قبال عملکرد دانشگاه به ذینفعان مختلف، رعایت حقوق دانشجویان، اساتید و کارکنان، ارتقای فرهنگ سازمانی مسئولانه.
				۰/۰۰۱	۲۱/۶۵	۰/۰۳۹	۰/۷۰۷	۰/۸۴۱
								مسئولیت های اجتماعی و مشارکت جامعه: همکاری با جامعه محلی و ملی برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی و کشاورزی، ارائه خدمات مشاوره ای و آموزشی به کشاورزان و بهره برداران بخش کشاورزی، مشارکت در طرح های توسعه جامعه محور.
				۰/۰۰۱	۲۲/۷۳	۰/۰۳۷	۰/۷۲۵	۰/۸۵۲
								مسئولیت های پژوهشی: انجام پژوهش های کاربردی و مساله محور در راستای حل چالش های بخش کشاورزی، تولید دانش و فناوری های نوین برای توسعه پایدار کشاورزی، انتشار یافته های پژوهشی و انتقال دانش به جامعه.

پژوهش ($\beta=0.852, t=22/73$) و کم ترین اثر مربوط به بعد آموزش (سازه «دستاوردهای مسئولیت پذیری اجتماعی دانشگاهی» را می توان به عنوان یک چارچوب مفهومی جامع با انسجام ساختاری و روایی مطلوب معرفی کرد که امکان سنجش و بهبود عملکرد دانشگاه ها در این زمینه را فراهم می سازد. نتایج بررسی روایی تشخیصی بر پایه معیار فورنل و لاکر

در مدل مفهومی ارائه شده، سازه دستاوردها به عنوان یک سازه مرتبه دوم طراحی شده است که شامل شش بعد کلیدی آموزش، پژوهش، مشارکت در جامعه، محیط زیستی، مسئولیت اخلاقی، اقتصادی است و نتایج مدل سازی در سطح اول نشان می دهد که این ابعاد به طور معنادار از سازه کلی دستاوردها اثر می پذیرند. از منظر رتبه بندی بیشترین اثر بعد

نشان می‌دهد، نشانگرهای انتخابی برای اندازه‌گیری سازه‌های موجود دارای روایی تشخیصی لازم هستند. زیرا که قطر ماتریس از همه همبستگی‌های دیگر عامل‌ها با آن عامل بالاتر است (جدول ۵). بررسی روایی تشخیصی به روش مقادیر ویژگی تک خصیصه‌ای (HTMT)، نیز کمتر از ۰/۹ بوده و تایید‌کننده نتایج معیار فورنل و لارکر است (جدول ۵).

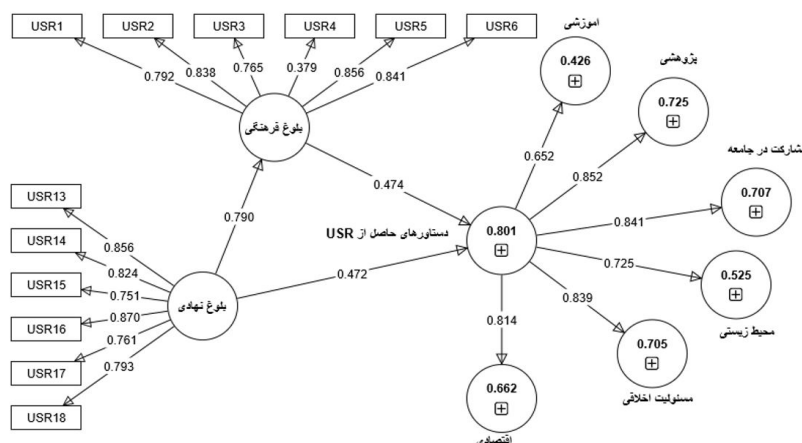
جدول ۵- بررسی مقادیر ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده با همبستگی‌های موجود بین سازه‌ها (معیار فورنل-لارکر) و مقادیر صفت چند خصیصه‌ای- تک خصیصه‌ای (معیار HTMT)

معیار فورنل-لارکر		معیار HTMT	
بستر و ظرفیت موجود	دستاوردها	بستر و ظرفیت موجود	دستاوردها
۰/۸۱۰	---	---	---
۰/۷۴۷	۰/۷۹۱	۰/۸۴۰	---
۰/۶۹۰	۰/۷۴۷	۰/۷۶۴	۰/۸۶۹

از سوی دیگر یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که بستر و ظرفیت موجود در دانشگاه‌ها تأثیر مستقیم و معناداری بر فرهنگ‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی دارد ($t=18/21$, $\beta=0/790$). این نتیجه بیانگر آن است که وجود زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری‌های مؤثر می‌تواند منجر به شکل‌گیری نگرش‌ها در راستای نهادینه شدن مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دانشگاه شود. همچنین بستر و ظرفیت موجود بر دستاوردهای حاصل از مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است ($t=4/45$, $\beta=0/47$). این نتیجه نشان می‌دهد اگر دانشگاه‌ها بستر و ظرفیت‌های لازم را ایجاد کنند می‌توانند ابعاد مختلفی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ارائه دهند. علاوه بر این فرهنگ‌سازی نیز بر دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t=4/63$, $\beta=0/47$). این یافته نشان می‌دهد که ارتقای آگاهی و نگرش در رابطه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی می‌تواند منجر به عملکردهای مثبت در این حوزه در دانشگاه شود. همچنین این یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ‌سازی نقش متغیر میانجی را ایفا می‌کند و مسیر اثرگذاری بستر و ظرفیت موجود بر دستاوردها را تعدیل می‌کند (جدول ۶ و نگاره ۲).

جدول ۶- اثرات خطی متغیرهای تحقیق به همراه مقادیر R^2

اثر خطی مورد مطالعه	بتا	R^2	خطای انحراف استاندارد	t	Sig
بلوغ نهادی < دستاوردهای مورد انتظار از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی	۰/۴۷۲	۰/۸۰۱	۰/۱۰۶	۴/۴۵	۰/۰۰۱
بلوغ فرهنگی < دستاوردهای مورد انتظار از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی	۰/۴۷۴		۰/۱۰۲	۴/۶۳	۰/۰۰۱
بلوغ نهادی < بلوغ فرهنگی	۰/۷۹۰	۰/۶۲۵	۰/۰۳	۲۱/۱۸	۰/۰۰۱



نگاره ۲- مدل معادلات ساختاری پژوهش به همراه ضرایب معنی‌داری

بحث و نتیجه گیری

دانشگاه‌ها در دوران معاصر، نقش خود را فراتر از رسالت‌های سنتی آموزش و پژوهش، به مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی به عنوان راهبردی حیاتی برای کسب مشروعیت نهادی و تضمین توسعه پایدار گسترش داده‌اند. نتایج کلی این پژوهش بر مبنای نظریه نهادگرایی، یک چارچوب علی مستدل را مطرح می‌سازد که دستاوردهای ملموس مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی را محصول همگرایی دو پیش‌ران ضروری می‌داند: بلوغ نهادی و بلوغ فرهنگی. بلوغ نهادی نشان‌دهنده همسان‌سازی ساختاری و گنجاندن مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی در فرایندها و راهبردهای رسمی دانشگاه است. در مقابل، بلوغ فرهنگی ریشه در نظریه فرهنگ سازمانی داشته و بر درونی‌سازی هنجارها، ارزش‌ها و تعهد اخلاقی در میان کلیه ذینفعان تأکید دارد. این هم‌وزنی تأثیرات، دلالت بر آن دارد که مشروعیت دانشگاهی تنها با ایجاد زیرساخت‌ها و قوانین صوری (نهادی شدن) محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند درونی‌سازی عمیق ارزش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی است که آن را از یک وظیفه انطباقی صرف به یک پارادایم فرهنگی مسلط در حیات سازمانی تبدیل کند. تحلیل ماهیت دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی، یک گسست پارادایمی از مدل‌های پیشین مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی را نشان می‌دهد. در این مدل مبتنی بر رسالت دانشگاهی، ابعاد پژوهشی، مشارکت در جامعه و مسئولیت‌های اخلاقی دارای بیشترین اهمیت در تبیین موفقیت کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی هستند. این یافته دلالت بر آن دارد که بقا و تأثیرگذاری دانشگاه‌های کشاورزی در عصر جدید، نه با معیارهای صرفاً اقتصادی، بلکه به طور فزاینده‌ای با توانایی آن‌ها در خلق ارزش مشترک از طریق حل چالش‌های پیچیده اجتماعی و زیست‌محیطی از طریق پژوهش‌های کاربردی و بر پایه آنچه ترویج و آموزش کشاورزی قلمداد می‌شود، پیوند خورده است. لذا، دانشگاه ناگزیر است که نقش شهروند شرکتی فعال و پاسخگو را در اکوسیستم اجتماعی ایفا نماید و مأموریت خود را در جهت ایفای نقش رهبری برای نفع عمومی جامعه و تحقق اصول

حکمرانی اخلاقی و شفاف بازتعریف کند. این امر مستلزم آن است که دانشگاه‌ها از یک رویکرد منفعل به سمت یک مدل وظیفه‌گرا حرکت کرده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی را به مثابه یک ارزش درونی شده و یک ضرورت فلسفی برای تضمین توسعه پایدار در ابعاد شش‌گانه دستاوردها تلقی نمایند.

نتایج مطالعات متعدد نشان داده است که دانشگاه‌ها می‌توانند تأثیر زیادی در دستیابی به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی یک کشور و همچنین حفاظت از محیط‌زیست و پرداختن به مسائل پیچیده‌ای که جامعه را آزار می‌دهد، داشته باشند. نقش دانشگاه‌ها تنها به تبادل دانش محدود نمی‌شود، بلکه در ایفای نقش رهبری به عنوان یک عضو فعال جامعه نیز نقش دارد. بنابراین دانشگاه‌ها در سراسر جهان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به عنوان بخشی از استراتژی خود توسعه داده و اجرا می‌کنند. آن‌ها این کار را انجام می‌دهند زیرا به دنبال تضمین کیفیت سیستم‌های آموزش عالی و همچنین تأثیر مثبت بر محیط اطراف خود هستند. در این تحقیق یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری پژوهش نشان داد که بلوغ نهادی در دانشگاه‌ها تأثیر مستقیم و معناداری بر بلوغ فرهنگی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی دارد، این یافته با نتایج لوانو و تره (۲۰۲۰)؛ لاکر (۲۰۲۰) که نشان دادند بلوغ نهادی در دانشگاه‌ها، تأثیر قابل توجهی بر ایجاد فرهنگ مسئولیت اجتماعی دانشگاهی دارد، همخوانی و هماهنگی داشت. همچنین نتایج نشان داد که بلوغ نهادی در دانشگاه‌ها بر دستاوردهای مورد انتظار از مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیرگذار است که با نتایج تحقیقات ایلچوک (۲۰۲۲)؛ کوئلهو و منزس (۲۰۲۱) و جریو و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. علاوه بر این بلوغ فرهنگی نیز بر دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی تأثیر مثبت و معنادار دارد، این یافته با نتایج بررسی‌های شیائووی (۲۰۲۰)؛ سنگوپتا (۲۰۲۰) و ورگارا (۲۰۲۳) همخوانی دارد. تأثیر بلوغ فرهنگی بر دستاوردهای مسئولیت اجتماعی دانشگاه قابل توجه است، زیرا ارزش‌ها و رفتارهایی را شکل می‌دهد که مؤسسات را در انجام نقش‌های اجتماعی خود هدایت می‌کند. یک فرهنگ سازمانی قوی، محیطی را ایجاد می‌کند که در آن

وظایف اصلی دانشگاه است، می‌تواند نشانگر این باشد که جامعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی را به عنوان اقدامی مازاد بر آموزش استاندارد تلقی می‌کند. در نتیجه، برای افزایش این بار، باید اقداماتی مانند ادغام پایداری در سرفصل‌های درسی به وضوح تعریف شوند تا به عنوان یک دستاورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی قابل اندازه‌گیری باشند.

از منظر تبیین دلالت‌های نظری و مدیریتی، یافته‌ها فرضیه محوری را تأیید می‌کنند که دستاوردهای چندبعدی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی، یک خروجی مستقیم از بلوغ هم‌زمان نهادی و فرهنگی است این هم‌زمانی ضرایب، یک دلالت نظری مهم را مطرح می‌سازد که مشروعیت در سازمان‌های آموزشی، محصول همگرایی همسان‌سازی ساختاری و درونی‌سازی هنجاری است. موفقیت در مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی مستلزم گذار از یک رویکرد صرفاً انطباقی به یک پارادایم فرهنگی-نهادی درونی‌شده است. تجزیه و تحلیل اوزان سازه دستاوردها نشان داد که ابعاد مسئولیت اخلاقی، پژوهشی و مشارکت در جامعه بالاترین اهمیت را در تبیین موفقیت کلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی دارند. این یافته نشان‌دهنده یک گسست پارادایمی از چارچوب سنتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی (که اغلب سود اقتصادی را محور قرار می‌دهد) به سمت یک مدل وظیفه‌گرایی مبتنی بر رسالت است که در آن خلق دانش با تأثیر اجتماعی و حکمرانی اخلاقی بر دیگر ابعاد غالب است. لذا قدرت بالای مسیرهای پژوهشی و مشارکت، دلالت بر این دارد که دانشگاه برای حفظ تئوری دینفعان باید نقش شهروند شرکتی فعال و نه منفعل را در اکوسیستم اجتماعی خود ایفا کند، به ویژه از طریق خلق ارزش مشترک از طریق پژوهش‌های کاربردی.

از منظر دلالت‌های تحقق اصول مدیریتی حکمرانی پاسخگو (شرر و فوگتلین، ۲۰۲۰؛ ساوت و همکاران، ۲۰۱۹)، به معنای تثبیت رسمی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی

مسئولیت اجتماعی می‌تواند رشد کند، منافع دینفعان مختلف را همسو کند و مشارکت اجتماعی را افزایش دهد. سازه‌های بلوغ فرهنگی و بلوغ نهادی که به عنوان پیشایندها دستاوردها معرفی شده‌اند، نشان‌دهنده یک رویکرد عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر در پذیرش مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی است که ریشه در نظریه نهادگرایی دارد. ضریب مسیر سازه بلوغ نهادی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی تنها یک پروژه یا واحد مجزا نیست، بلکه باید در ساختارها، قوانین، فرآیندها و استراتژی‌های رسمی دانشگاه نهادینه شود. نظریه نهادگرایی بیان می‌کند که سازمان‌ها برای کسب مشروعیت باید خود را با انتظارات نهادی جامعه هماهنگ کنند. این سازه نشان‌دهنده تلاش دانشگاه برای ساختاری کردن مسئولیت‌پذیری است. سازه بلوغ فرهنگی بر هنجارها، ارزش‌ها، باورها و تعهد کارکنان و دانشجویان به مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی تأکید دارد. این بعد ریشه در نظریه فرهنگ سازمانی دارد و نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی تا زمانی که به یک ارزش درونی و شیوه تفکر تبدیل نشود، به طور کامل اجرا نخواهد شد. در کل نهادینه شدن (بلوغ نهادی) و درونی شدن (بلوغ فرهنگی) پیش‌نیازهایی (مائون و همکاران، ۲۰۱۰)، هستند که دانشگاه را قادر می‌سازند تا به طور مؤثر به مطالبات دینفعان پاسخ دهد و در نتیجه دستاوردها را محقق سازد. این دستاوردها در واقع همان ارزش آفرینی مشترک برای دینفعان هستند. ضرایب مسیر تقریباً برابر (۰/۴۷۴ در مقابل ۰/۴۷۲) نشان می‌دهند که در نظام آموزش عالی کشاورزی تغییر نهادی به تنهایی کافی نیست و بدون پشتیبانی فرهنگی (درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها توسط دینفعان درونی)، اثربخشی کامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی محقق نخواهد شد. این یافته تأکید می‌کند که موفقیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی از یک مدل صرفاً قانونی-اقتصادی به یک مدل جامع‌تر فرهنگی-نهادی مبتنی بر تئوری نهادگرایی وابسته است. پایین بودن وزن بُعد آموزشی (۰/۴۲۶) در حالی که از

آموزش عالی کشاورزی به عنوان یک رکن راهبردی در اسناد سطح بالا که تخصیص منابع پایدار و نظارت رسمی را تضمین می‌کند و بازنگری در نظام ارتقاء و پاداش اعضای هیئت علمی؛ به‌طوری‌که وزن قابل توجهی به شاخص‌های تأثیر اجتماعی پژوهش، اخلاق پژوهشی و مشارکت‌های جامعه‌محور اختصاص یابد، قابل طرح است. از سوی دیگر مدل‌سازی نقش توسط مدیران ارشد در حوزه شفافیت، عدالت و تعهد محیط زیستی به عنوان یک عامل حیاتی در شکل‌دهی هنجارهای فرهنگی پذیرفته شود. تضمین ادغام کامل اصول پایداری و اخلاق هنجاری در تمامی سرفصل‌های آموزشی و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای کارکنان تا درک سازمانی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی را از یک اجبار بیرونی به یک مسئولیت درونی تبدیل می‌کند. با اتخاذ این راهبردهای دوگانه، دانشگاه‌ها می‌توانند به‌طور مؤثر شکاف میان تعهدات صوری و عملکرد واقعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی را پر کرده و به‌طور مستمر به بالاترین سطح بلوغ مسئولیت‌پذیری در سطح جهانی دست یابند. از منظر فلسفی، نتایج تحقیق نشان داد که بقا و مشروعیت دانشگاه در عصر جدید نه تنها با معیارهای سنتی کارایی اقتصادی و آکادمیک، بلکه به‌طور فزاینده‌ای با دستاوردهای مورد انتظار در شش بعد شامل آموزشی، پژوهشی، مشارکت، اخلاقی، محیط زیستی و اقتصادی؛ گره خورده است. بار عاملی بالا در سازه‌های بلوغ (مانند بلوغ فرهنگی ۰/۷۶۵ تا ۰/۸۴۱) دلالت بر این دارد که دانشگاه‌ها برای تضمین توسعه پایدار و کسب مزیت مشروعیت باید

مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی را از یک وظیفه جانبی به یک پارادایم فرهنگی مسلط تبدیل کنند. لذا، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در حوزه حکمرانی دانشگاهی، بر مکانیزم‌های هم‌راستاسازی نهادی و تحول فرهنگی تمرکز کنند که تضمین‌کننده این بلوغ دوگانه و در نتیجه حداکثرسازی ارزش آفرینی مشترک در ابعاد شش‌گانه به عنوان دستاوردهای مورد انتظار از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی است. از سویی، مدل ارائه شده در این تحقیق بر سطح سازمانی تمرکز دارد و لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی را در سطوح خرد (فردی/هیئت علمی)، میانه (دانشکده‌ای/گروهی) و کلان (سیستم آموزش عالی) با استفاده از مدل‌سازی چندسطحی بررسی کنند. از سوی دیگر بررسی نقش متغیرهای زمینه‌ای مانند درجه استقلال مالی و سازمانی دانشگاه‌ها، نوع مالکیت (دولتی/غیردولتی) و سطح تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌ها، بر رابطه بین ظرفیت نهادی و دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی. این متغیرها ممکن است به‌عنوان تعدیل‌کننده عمل کنند. همچنین تحقیق درباره تأثیر سازوکارهای مشارکت فعال ذینفعان بیرونی (مانند کشاورزان، صنایع کشاورزی، سازمان‌های مردم‌نهاد) در تعریف و ارزیابی دستاوردهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی آموزش عالی کشاورزی. این می‌تواند به درک بهتر مفهوم خلق ارزش مشترک در آموزش عالی کشاورزی کمک کند.

منبع‌ها

- برادران حقیر، م.، نورشاهی، ن.، روشن، ا. (۱۳۹۸). مفهوم‌سازی مسئولیت‌اجتماعی دانشگاه در ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
- فرمانده، ا.، زمانی، غ.، نامدار، ر. (۱۳۹۹). مسئولیت‌پذیری دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز به تمایل دریافت مشاوره شغلی. فصل‌نامه علمی پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۵۴.
- صالحی، ل.، منوری‌فرد، ف. (۱۴۰۱). ساخت و رواسازی معیارهایی برای ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۴۱.
- حاجی عباسی، ح.، قدیمی، ا.، شیخ‌رضایی، ح. (۱۴۰۲). چارچوب مفهومی برای شناسایی و ارزیابی مولفه‌های اصلی مسئولیت‌اجتماعی دانشگاه با استفاده از روش فراترکیب. فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری. دوره ۱۳، شماره ۲.
- هیر، ج.، هالت، ت.، ورینگل، ک.، سارستد، م. (۱۴۰۲). مبانی مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (ترجمه ا. علم بیگی و پ. حاجی آقا). انتشارات دانشگاه تهران.

- Ahmad, J., Saad, S., Krishnan, M., Stancu, A., & Mogoş, O. (2024). Exploring the University Social Responsibility Initiatives and Sustainable Development in Malaysia: A Carroll Model Approach. *European Journal of Interdisciplinary Studies*, 16(1), 70-90.
- Alsrehan, H. (2025). The Social Responsibility of Universities and Its Impact on Sustainable Development Towards a Future Vision. *Sustainable Development*.
- Amani, D. (2023). Internal corporate social responsibility and university brand legitimacy: an employee perspective in the higher education sector in Tanzania. *Social Responsibility Journal*, 19(4), 611-625.
- Arias-Valle, M. B., Berbegal-Mirabent, J., & Marimon, F. (2021). How do socially responsible universities perform? the case of Spanish universities. *Tec Empresarial*, 15(3), 64-82.
- Batra, S., Yadav, M., Amankwah-Amoah, J., Saini, M., & Danso, A. (2025). The Intellectual Structure in University Social Responsibility Research: A Bibliometric Analysis. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*.
- Brammer, S., Jackson, G., & Matten, D. (2012). Corporate social responsibility and institutional theory: New perspectives on private governance. *Socio-economic review*, 10(1), 3-28.
- Chiles, R. M., Glenna, L., Sharma, A., Catchmark, J., Azzara, C. D., & Maretzki, A. (2020). Agri-food firms, universities, and corporate social responsibility: what's in the public interest?. *Renewable Agriculture and Food Systems*, 35(2), 158-168.
- Coelho, M., & Menezes, I. (2021). University social responsibility, service learning, and students' personal, professional, and civic education. *Frontiers in psychology*, 12, 617300.
- Cortez, G. G. (2023). Social responsibility as a strategy in university management. *Centro Sur*, 7(1).
- Di Gerio, C., Fiorani, G., & Paciullo, G. (2020). Fostering sustainable development and social responsibility in higher education: the case of tor vergata university of rome. *Management Dynamics in the Knowledge Economy*, 8(1), 31-44.
- El-Kassar, A. N., Makki, D., Gonzalez-Perez, M. A., & Cathro, V. (2023). Doing well by doing good: why is investing in university social responsibility a good business for higher education institutions cross culturally?. *Cross Cultural & Strategic Management*, 30(1), 142-165.
- Farahmand, A. A., Fallah-Shams, M. F., & Zomorodian, G. R. (2022). Identifying factors affecting value creation for corporate banking customers. *New Marketing Research Journal*, 12(2), 1-20.
- Foster, M. M., Rice, L., Esker, P., Rivers, A., & Foster, D. (2025). Future Scientists for Sustainable Agricultural Development Through Interdisciplinary Graduate Education. In *Competence Building in Sustainable Development* (pp. 287-305). Cham: Springer Nature Switzerland.
- Gallardo-Vazquez, D., Sánchez-Dominguez, J. D. L. C., & Valdez-Juarez, L. E. (2024). Corporate social responsibility and sustainable development goals in higher education: a literature review from 2014 to 2023. *The Bottom Line*.
- Gallardo-Vazquez, D., Severino-Gonzalez, P., Tunjo-Buitrago, E., Sarmiento-Peralta, G., & Romero-Argueta, J. (2024). Empathy and solidarity as a bridge between sustainable development goals and strategic management of higher education institutions. *Oeconomia Copernicana*, 15(3), 925-956.
- Godonoga, A., & Sporn, B. (2023). The conceptualisation of socially responsible universities in higher education research: a systematic literature review. *Studies in Higher Education*, 48(3), 445-459.
- Guzman, C. M. (2023). Ambitos de la responsabilidad social universitaria: una revision de literatura. *Publicaciones e Investigacion*, 17(2).
- Iliichuk, L. (2022). Modern University Social Responsibility: Conceptual basis and development directions in the context of higher education quality assurance. *Mountain School of Ukrainian Carpaty*, (27), 22-27.
- Ivanova, A., & de la Torre, J. A. M. (2020). La responsabilidad social universitaria frente a los desafíos del cambio climático: Hacia una agenda post COVID-19. *Revista Vertice Universitario*.
- Kingsley, B. J. (2020). Exploring the Role of Teacher Well-Being on Effective Practice: A Partial Least Squares-Structural Equation Modeling Analysis (Doctoral dissertation, Manhattanville College).
- Kolahi, M., & AzimiSeginSara, R. (2023). Socio-environmental responsibility in Iranian universities: a multidimensional perspective. *Environmental Conservation*, 50(4), 267-274.
- Laitinen, E., Määttänen, S., & Knuutti, U. M. (2022, May). University Staff's Perceptions on Pedagogy in Agricultural Education in East and Southern Africa. In *International Conference on Water Energy Food and Sustainability* (pp. 9-18). Cham: Springer International Publishing.

- Liu, W. H., Wang, P., Lee, H. C., Chen, Y. J., Huang, A., Ko, Y. C., ... & Lin, C. C. (2025). Empowering future leaders: a cross-university study on integrating SDGS in university social responsibility programs in Taiwan. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 1137-11185(5)26.
- Lucar, I. C. (2020). La responsabilidad social universitaria: ¿deber o compromiso?. *Educación*, 26(1), 45-50.
- Maon, F., Lindgreen, A., & Swaen, V. (2010). Organizational stages and cultural phases: A critical review and a consolidative model of corporate social responsibility development. *International Journal of Management Reviews*, 12(1), 20-38.
- Maters, E., & Luttik, J. (2023). From CSR to Impact; How to Integrate CSR in a University Strategy. *Journal of Sustainability Perspectives*, 3(2), 140-147.
- Meseguer-Sanchez, V., Abad-Segura, E., Belmonte-Ureña, L. J., & Molina-Moreno, V. (2020). Examining the research evolution on the socio-economic and environmental dimensions on university social responsibility. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(13), 4729.
- Miotto, G., Diez Martin, F., & Del Castillo Feito, C. (2020). Governance, ethics and accountability in universities strategic plans. *Ramon Llull Journal of Applied Ethics*, vol. 1, num. 11, 2020.
- Ontiveros-Ortíz, E. N., & Ramírez-Montoya, M. S. (2020, October). University social responsibility technology-based model through social appropriation of knowledge. In *Eighth International Conference on Technological Ecosystems for Enhancing Multiculturality* (pp. 957-961).
- Ortega-Dela Cruz, R. (2020). Perceptions of higher agricultural education toward sustainable agricultural development. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 10(1), 187-202.
- Preuss, L., Elms, H., Kurdyukov, R., Golob, U., Zaharia, R. M., Jalsenjak, B., ... & Tomancová, L. (2023). Institutional pressures and the adoption of responsible management education at universities and business schools in Central and Eastern Europe. *Business ethics, the environment & responsibility*, 32(4), 1575-1591.
- Rahman, A. A., Castka, P., & Love, T. (2019). Corporate social responsibility in higher education: A study of the institutionalisation of CSR in Malaysian public universities. *Corporate social responsibility and Environmental Management*, 26(4), 916-928.
- Ramos-Monge, E. L., Llinàs-Audet, X., & Barrena-Martínez, J. (2019). Drivers and barriers of University Social Responsibility: integration into strategic plans. *World review of entrepreneurship, management and sustainable development*, 15(1-2), 174-201.
- Roszkowska-Menkes, M., & Aluchna, M. (2017). Institutional isomorphism and corporate social responsibility: towards a conceptual model. *Journal of Positive Management*, 8(2), 3-16.
- Sahut, J. M., Peris-Ortiz, M., & Teulon, F. (2019). Corporate social responsibility and governance. *Journal of Management and Governance*, 23(4), 901-912.
- Scherer, A. G., & Voegtlin, C. (2020). Corporate governance for responsible innovation: Approaches to corporate governance and their implications for sustainable development. *Academy of Management Perspectives*, 34(2), 182-208.
- Sengupta, E., Blessinger, P., & Mahoney, C. (2020). Introduction to civil society and Social Responsibility in higher education: International Perspectives on University–Community Partnerships. In *University–community partnerships for promoting social responsibility in higher education* (pp. 3-14). Emerald Publishing Limited.
- Tanaka, K., Williams, M., Jacobsen, K., & Mullen, M. D. (2023). Sustainably Growing Farmers of the Future: undergraduate curriculum in sustainable agriculture at the University of Kentucky. In *Teaching Sustainability/Teaching Sustainably* (pp. 97-114). Routledge.
- Teran-Bustamante, A., & Torres-Vargas, A. (2020). University Social Responsibility (USR) and its mission: The case of the Universidad Panamericana in Mexico. In *Strategy, power and CSR: Practices and challenges in organizational management* (pp. 235-257). Emerald Publishing Limited.
- Tilak, J. B. (2022). Social responsibility of higher education. *Social Change*, 52(4), 478-490.
- Vergara, M. V. (2023). University social responsibility. In *Oxford Research Encyclopedia of Education*.
- Xiaowei, Z. H. A. N. G. (2020). The Influence of University Culture on the First-Class Universities and First-Rate Disciplines Construction. *Canadian Social Science*, 16(2), 12-17.

Institutional Capacity and Cultural Maturity as Antecedents of Social Responsibility Outcomes in Iranian Agricultural Higher Education

Romina Amiri¹, Amir Alambeigi², Amir Reza Rezaei³, Seyed Mahmoud Hosseini⁴, Marzieh Keshavarz⁵

1- Ph.D. Candidate in Sustainable Agricultural and Environmental Education, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

2- Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

3- Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

4- Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

5- Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran

Abstract

Despite the increasing emphasis on universities' mission in social responsibility (SR), particularly within the critical field of agricultural higher education for sustainable development, the persistent question remains: why do the operational achievements in this area often fall short of both societal expectations and declared institutional capacities? Therefore, there is a need to precisely identify and introduce the specific drivers capable of transforming this institutional (or structural) capacity into an active driving force. More accurately, it is essential to meticulously model the mediating role of cultural maturity in facilitating the conversion of existing frameworks and infrastructures into tangible social responsibility outcomes. This study employs a mixed-method approach, being applied in its objective and causal-correlational in its methodology. The statistical population consisted of agricultural faculty members from universities and higher education institutions across Iran. A sample of 124 individuals was selected using Daniel's formula and subjected to convenient sampling. The dominant statistical method was Structural Equation Modeling (SEM). In the initial step, the results of the Confirmatory Factor Analysis (CFA) demonstrated the suitability of the measurement model, with all discriminant validity and reliability coefficients (including Rho_c and Rho_a) calculated above the 0.80 threshold. In the phase of structural coefficient examination, the bootstrapping method was used to test the significance of the path coefficients. The modeling results revealed that institutional capacity, measured by a researcher-designed questionnaire, has a direct and significant impact on cultural maturity concerning social responsibility. Furthermore, institutional capacity—understood as the readiness to utilize higher education resources for promoting societal outcomes (measured by researcher-selected indicators)—plays a significant, direct role in achieving SR results in Iranian agricultural higher education. Crucially, cultural maturity also acts as a key factor, demonstrating a positive and significant influence on social responsibility outcomes. The findings of this research indicate that achieving the effectiveness of social responsibility in agricultural universities necessitates a dual-axis approach: establishing and strengthening institutional capacity as the foundation, coupled with strategic investment in cultural maturity as the active engine.

Index Terms: University Social Responsibility (USR), Institutional Theory, University Governance, Agricultural Higher Education.

Corresponding Author: Amir Alambeigi

Email: Alambaigi@ut.ac.ir

Received: 2025/11/02

Accepted: 2025/12/21